

• خوانین از قدیم الایام قدرت مطلقه بوده و غالب نمایندگان مجلس رستاخیزی شاهرانیز همین عده تشکیل میدادند.



ی گذرد؟

اتکازی و کارشکنی در برابر انقلاب اسلامی ایران خودداری نکرده و با انواع واقسام حیل درصدد حفظ نظام شاهنشاهی بودند.

خوانین پس از انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکوفاتر شدن هرچه بیشتر جوانه های آن، خوانین که کارنامه سیاهی از جنایت و خیانت برای خود باقی گذاشته بودند، جان خود را در خطر دیدند. لذا فرار و ابرقرار ترجیح داده و غالباً منطقه را ترک کردند. در این موقع برادران هتیت های هفت نفره و اگذارای زمین طبق لایحه اصلاحات ارضی (مصوب شورای انقلاب)، به اگذارای زمین فئودالها به کشاورزان فاقد زمین پرداختند. ولی پس از متوقف شدن اجرای لایحه اصلاحات ارضی اسلامی و خصوصاً بند (ج) - بیشتر از ۸۰٪ زمین های سیستان شامل بند (ج) است - خوانین دوباره بال و پر گرفته و بعضاً راه بازگشت اختیار نمودند. در حال حاضر خوانین با استفاده از انواع واقسام حیل های شرعی و غیر شرعی درصدد حفظ خویش و زمین هایشان می باشند. خوانین که بعد از انقلاب حتی جرأت آفتابی شدن را نداشتند، اکنون با استفاده از شرایط و جو شهر زابل که عمدتاً از جوسازی ها و شانتاژها و فشارهای سیاسی بر علیه جهاد و سپاه و هتیت هفت نفره نشأت می گیرد، توانسته اند به خود انسجامی بخشیده و حول محور اصلی اشتراک منافعشان یعنی مخالفت با لایحه اصلاحات ارضی و بند (ج) در کمیته شهر زابل متشکل شوند و کنترل آنرا در دست بگیرند! متأسفانه در انزوای قرار دادن نهادهای انقلابی مثل جهاد و سپاه که در واقع بعنوان تیلور عینسی ارزش های انقلاب بشمار می روند، باعث انسجام هرچه بیشتر خوانین شده و آنان را به فکر حفظ منافعشان با استفاده از انواع واقسام حیل انداخته است.

بایستی متذکر شد که متأسفانه عملکرد لطفاً ورق بزنید



بر اثر تحت فشار قرار گرفتن
 ارگانهای انقلابی مثل جهاد و
 سپاه و هیات هفت نفره ،
 خوانین که حتی جرات آفتابی
 شدن نداشته‌اند دوباره سرو
 کله‌شان پیدا شده و توانسته‌اند
 در «کمیته شش‌گانه» متشکل شده
 و کنترل آنها بدست گیرند.

باشد) عدم است. بطور کلی می‌توان هیئت هفت نفره
 خود را برای اجرای صحیح لایحه اصلاحات ارضی
 اسلامی آماده می‌کند.

پس از توقف در اجرای لایحه اصلاحات ارضی
 و بند (ج) از آنجا که بیم به زیر کشت نرفتن زمین‌ها
 و معطل ماندن آنها توسط فئودالها می‌رفت و
 واقعیت امر نیز همین بود، «شواری کشت زابل» با
 رسمیت یافتن از سوی شورای عالی قضایی و با
 شرکت نمایندگان جهاد، سپاه، فرمانداری، هیئت هفت
 نفره و ... تشکیل شد تا زمین‌های فوق‌الذکر را در
 اختیار گرفته و به افراد واجد شرایط به مدت یکسال
 اجاره بدهد.

در حال حاضر «شواری کشت» به فعالیت خود
 ادامه می‌دهد ولی همانند دیگر ارگانهای انقلابی، از
 آماج تهمت‌ها و افتراها و بهتان‌ها به دور نمانده
 است.

آوارگان افغانی

علاوه بر مشکلات زمین و کشت، سبب
 مهاجرت افغانیها نیز مزیدی بر دیگر مشکلات
 گذشته است.

در ابتدای امر چنین تصور می‌شد که همه اینها
 مجاهدین افغانی هستند و بایستی از آنان حمایت کرد
 و یا لاقلاً کاری به کارشان نداشت. ولی گذشت
 زمان نشان داد که نمی‌توان روی مجاهد و مبارز
 بودن اغلب آنها حساب چندان باز کرد. چرا که اگر
 اینها قصد جنگ علیه متجاوز را داشتند، لزومی
 نداشت به ایران بیایند. یا لاقلاً این مهاجرت در
 مورد جوانان و اشخاصی که قدرت رزم و جنگیدن
 بقیه در صفحه ۷۷

محصولات کشاورزی مثل خوانین و عمال آنها نه
 تنها مورد بازخواست و اجرای احکام اسلام در مورد
 خود و زمین‌هایشان قرار نگرفته‌اند، بلکه بعضاً از
 سوی بعضی اشخاص حمایت و تقویت نیز
 گردیده‌اند.

جهاد، سپاه، هیئت هفت نفره و شواری کشت:

برای درک بهتر وضعیت سیاسی منطقه
 سیستان بایستی همواره نقش ارگانهای انقلابی مثل
 جهاد و سپاه و هیئت‌های هفت نفره و اگذاری زمین
 را در نظر گرفت.

همانطوریکه قبلاً بطور مختصر و در بسته
 اشاره شد، در زابل ارگانهای انقلابی تحت فشار
 سیاسی و شانتاژها جریانهای مخالف قرار گرفته‌اند
 و جو سازی و شایعه پراکنی به حدی گسترش یافته
 که به برادران مخلص و صادقی که برای رضای خدا
 و بهبود زندگی خلق خدا از هیچ تلاشی فرو گذار
 نمی‌کنند، تهمت «کمونیست بودن» زده می‌شود. در
 حالیکه تنها مسئله‌ای که در سیستان مطرح نیست
 «کمونیسم» است !!

پس از وقفه در امر و اگذاری زمین و
 مشکلاتی که بر سر این مهم بوجود آمد، کار هیئت
 هفت نفره در امر و اگذاری زمین‌ها متوقف شد. ولی
 این توقف به هیچ وجه موجب توقف کلی و به زیر
 سؤال رفتن هیئت هفت نفره نگردید. و این هیئت در
 حال حاضر مشغول تحقیق پیرامون وضعیت زمین
 ها و تعیین عرف محل (میزان و مقدار زمین که برای
 زندگی یک کشاورز «طبق» عرف محلی، کافی

نمایندگان زابل در مجلس شورای اسلامی نیز نه تنها
 در جهت دفاع از منافع کشاورزان محروم سیستانی
 نبوده بلکه عملاً در جهت تقویت و حمایت خان‌ها بوده
 است.

در اینجا بی‌مناسبت نیست که اشارتی گذرا به
 خطبه‌های نماز جمعه حجت‌الاسلام رفسنجانی
 در چند هفته پیش هم داشته باشیم. آنجا که ایشان
 اشخاصی را روایت می‌کنند که از به خطر افتادن
 منافع کارخانه داران و زمین داران ناراحت می‌شوند
 و به مدافع و منعکس کننده نظرات و ایده‌های
 حضرات تبدیل می‌شوند ولی درد مردم بلوچ
 و سیستانی را که بایستی هسته خرما بخورند تازنده
 بمانند، برایشان مطرح نیست.

اشاره کوتاه حجت‌الاسلام رفسنجانی می‌تواند
 بخوبی نشان دهنده آنچه که در سیستان جریان دارد،
 باشد. در دوران محرومیت و نیازهای واقعی و حیاتی
 انسان‌هایی که مایل به کار بوده و ابراز آنرا نمی‌توانند
 و از سوی دیگر اشخاصی که در فکر در دوران مردم
 محروم سیستانی نبوده و منافع خوانین را بیشتر
 و بیشتر مشروعیت بخشیده و از آن حمایت می‌کنند.

تجربه سه ماهه بعد از انقلاب نشان داده است که
 تضعیف ارگانهای انقلابی خصوصاً جهاد و سپاه
 همواره به نفع ضد انقلاب تمام شده و فقط و فقط
 ضد انقلاب بوده که از تضعیف و تحت فشار و
 انزوا قرار دادن و جو سازی بر علیه جهاد و سپاه سود
 برده است.

با در نظر داشتن این نکته که سیستان تماماً
 منطقه‌ای کشاورزی است، لزوم توجه به امر
 کشاورزی و خصوصاً زمین به شدت احداث
 می‌شود و این در حالی است که تمامی عوامل کند
 کننده و باز دارنده در راه تولید هر چه بیشتر

بزرگترین مسأله ما...

توقف دو ماهه که فعالیتهای جهاد تقریباً به حالت سکون در آمده بود، شورای فعلی توانست امور را در دست گرفته و کار را ادامه دهد.

البته کمبود نیروی کار آمد مشکل واقعاً بزرگی است که گریبان ما را گرفته است. در حال حاضر شورای جهاد زابل فقط دارای یک عضو است و با همین یک عضو تا بحال به حیات خود ادامه داده است ولی باید دانست که یک نفره به سختی میتواند جهاد یک شهر را اداره کند و باید نیروهای انسانی جهاد سازندگی در دیگر شهرستانها مخصوصاً تهران به این امر توجه بیشتری مبذول نمایند و قدری هم به شهرستانهای دور افتاده‌ای مثل زابل آمده و این گونه مناطق خدمت کنند. البته این افراد باید پس از آشنایی با منطقه لاقابل این احساس مسئولیت را

بکنند که برای مدت زیادی (لااقل یکی دو سال) در منطقه بمانند.

برای درک مشکلات جهاد در این منطقه، بایستی برادران بیابند و مشکلاتی را که با آن مواجه هستیم از نزدیک ببینند. ولی بطور اجمال میتوان گفت که کمبود نیرو در این منطقه بیداد میکند. در حالی که شورای جهاد زابل در حال حاضر بیشتر از یک عضو ندارد، در بعضی از جهادها تورم نیرو بیداد میکند و بیکاری پنهان مشاهده میشود. این عدم هماهنگی را که میتوان فی الواقع آنرا نوعی بی عدالتی دانست، مشکلی است که میباید برای حل آن هر چه زودتر فکری کرد.

عضو شورای جهاد زابل در خاتمه با اشاره به دیگر مشکلات می افزاید: «مشکل دوری راه، کند

بودن ارتباطات، با مراکز استانهای دیگر، فقر و عقب افتادگی فرهنگی، پرت بودن منطقه و کمبود لوازم و وسایل و ماشین آلات کشاورزی و... هزاران مسأله دیگر، مشکلاتی نیستند که جهاد سازندگی زابل را از پای در بیاورند و یا در ادامه حرکت آن وقفه‌های شدید پیش بیاورند، ولی مشکل کمبود نیرو و مسائل جنسی آن در این منطقه مسأله‌ای است که میتواند فعالیت جهاد را با وقفه و یا شاید رکود مواجه سازد و این امر برعهده تمام مسئولین جهاد سازندگی است که با اتخاذ روش‌های مناسب از تورم نیروهای انسانی کار در شهرهای بزرگ جلوگیری کرده و با تامین نیروهای مورد نیاز مراکز جهاد سازندگی سیستان و بلوچستان هر چه زودتر بیاری محرومین این منطقه بشتابند.»

غنچه‌های «فتح» ...

خدا و عشق به راه او با همت رزمندگان اسلام بدست آمده بود و نیروهای شکست خورده و متزلزل صدام گروه گروه و دسته دسته به پشت جبهه تخلیه می شدند.

دود ناشی از سوختن کامیونها و خودروهای بعثیون از هر گوشه‌ای بلند بود و باد نیز باز بگرشانه حلقه‌های دود را به هر سو می پراکند. تمامی ابزار و لوازمات جنگی و شخصی نیروهای صدام، گستره دشت را پوشانیده بود، در گوشه‌ای انبوه موشک‌های آر. پی. جی. ۷، و در سوی دیگر تلی از کیسه‌های حاوی لوازمات شخصی سربازان بعثی بچشم میخورد. کلیه خودروهای سبک و سنگین سالم به غنیمت نیروهای اسلام در آمده که با استفاده از آنها به نقل و انتقالات زخمی‌ها پرداختند.

چندین دستگاه لودر نیز بچشم میخورد که جهادگران آنها را به کار انداخته و به احداث خاکریز و سنگر برای تانک‌ها و نفربرها و خودروها پرداختند.

هلی کوپترهای هوانیروز نیز بر فراز سر رزمندگان به پرواز درآمده و آب و غذا و مهمات بین آنان پخش می نمودند.

جهادگران که وظیفه حساس احداث خاکریز و سنگر را در خط مقدم بر عهده داشتند. در همان ساعات اولیه کیلومترها خاکریز احداث نمودند و تانک‌ها و جیب‌های حامل تفنگ ۱۰۶ نیروهای پیاده در پشت آنها برای رفع ضد حمله احتمالی عراقی‌ها به انتظار ماندند.

ولی بعثیون که حتی توپخانه‌شان نیز به تسخیر

رزمندگان اسلام درآمده بود، قدرت هیچگونه عملیاتی را نداشتند و فقط برای اینکه مجدداً مورد حمله نیروهای اسلام قرار نگیرند. در فاصله ۵۰-۴۰ کیلومتری به پرتاب خمپاره‌های منور بسنده کردند.

رزمندگان به تمامی هدفهای پیش بینی شده در مرحله دوم عملیات فتح دست یافته و دشمن بعثی را تارومار کرده بودند. از این رو به مستحکم نمودن سنگرهایشان برای ادامه عملیات پرداخته تا بار دیگر ضربه دندان شکنی به صدام و ارتش از هم گسیخته اش بزنند.

آری وعده الهی تحقق یافته بود و نیروهای ظفرمند جمهوری اسلامی ایران گوشه‌هایی دیگر از خاک میهن اسلامی را آزاد ساخته بودند.

در سیستان....

را دارند نپایستی دیده می شد.

با چنین احوالی تعداد آوارگان به شدت افزایش می یافت و فی الواقع هیچ کنترلی هم بر آنان اعمال نمی شد. گذشته از اینها با باز بودن مرزهای دو کشور و غیر قابل کنترل بودن مرزها، سیر قاچاق از این سوی مرز به آن سو و بالعکس افزایش یافت. کالاهای ضروری و کمیابی که بعضاً در داخل کشور نیز جیره بندی هستند توسط عده‌ای فرصت

طلب و سودجو به افغانستان قاچاق می شد و متقابلاً انواع و اقسام مواد مخدر به داخل کشور راه می یافت.

همه این مسایل لزوم جمع آوری و اسکان آوارگان در اردوگاههای مخصوصی را ایجاب می کرد. پس از اعلام مقامات مسئول مبنی بر اسکان آوارگان در اردوگاهها بشدت از تعداد آنها کاسته شد و سیر بازگشت به افغانستان بالا گرفت.

در حال حاضر تعداد آوارگان افغانی در سیستان چیزی بیش از ۵۰،۱۰۰ هزار نفر است همین نامشخص بودن تعداد آنها نیز از نتایج ناشی از عدم کنترل مسئولین بر آوارگان می تواند بشمار رود که انشاء الله با پراه افتادن و افتتاح اردوگاه‌های در دست احداث به این مهم نیز جامه عمل پوشیده خواهد شد.